


ادبیات و پویانمایی

محمد رفیع ضیایی 



که در هر فرهنگی تعریف مشخص کسانی را دارد که افسانه یا رویدادی را نقل می‌کردند و بعضاً در هر جایی نقالان و راویانی بودند که می‌توانستند هر قصه را دقیق‌تر نقل کنند، کسانی چون ازوپ و حکیم بیدپای.

وقتی روایتی شفاهی نقل می‌شد، راوی می‌توانست به قصه شاخ و برگ‌هایی را بیفزاید ضمن این که قالب کلی و نیز رویدادهای مهم آن و سوژه اصلی را حفظ کند. وقتی افسانه‌ها نوشته شد در اصل روایت راویان ضبط گردید و به این جهت افسانه‌ها توانستند چارچوبی محکم‌تر و غیرقابل نفوذتر پیدا کنند. بعضاً روایت‌های رسمی از غیر رسمی جدا شد. در روایت‌های رسمی می‌توانستند شاخ و برگ‌ها را که مطابق دریافت و خواست آن‌ها نبود تغییر داده و یا کلاً پیام‌های اجتماعی و اخلاقی و بعضاً سیاسی افسانه را در هر دوره‌ای به شیوه خود روایت کنند.

جدا از هر گونه تغییری که افسانه‌ها می‌توانست توسط راویان نوشتاری پیدا کند آنچه مهم بود این بود که نقل افسانه، داستان و اسطوره در هر گونه و ژانری که باشد احتیاج به روالی برای روایت دارد. یعنی یا باید با زبان و توسط کلماتی آشنا به هر فرهنگی آن را روایت کرد و یا آن را نوشت و یا نهایتاً به شیوه‌های جدید بیان با گفتار و تصویر و در اصل نور و صدا در هم آمیخت. آیا در مرحله آخر، نوشتار و روایت نوشتاری از بیسن می‌رود؟ به هیچ وجه. اگر این مثال را به ساخت انیمیشن بسط دهیم می‌بینیم که درصد قابل توجهی از انیمیشن‌های ساخته شده آن‌هایی هستند که روایت‌های شناخته شده کهن جوامع

چقدر به نقش ادبیات در انیمیشن معتقدیم؟

هر روزه ما شاهد هستیم که روایت‌های کهن و قصه‌های قدیمی توسط انیمیشن سازها، بازسازی و تکرار می‌شوند. دنیای مدرن چقدر از قدیمی‌ترین قصه‌ها دور شده است؟ می‌توان این رأی را صادر کرد که آن بخش از روایت به هر شکلی که تعریف می‌شده: زبانی، نوشتاری، نوشتاری و تصویری، امروزه ممکن است شکل ارایه چند رسانه‌ای به خود گرفته باشد و از پیچیدگی تکنیکی برای ساخت برخوردار باشد. اما نهایتاً بشر قصه‌هایش را از یاد نبرده و با تکنیک‌های کاملاً پیشرفته قصه‌های هزاران سال پیش را نقلی می‌کند.

افسانه‌ها، داستان‌ها و اسطوره‌ها ابتدا به صورت شفاهی نقل می‌شد. امروزه واژه نقالان، راویان و داستان‌گویان، از جمله واژه‌هایی است

«ژان دولافونتین» Jean de Lafontain راوی افسانه‌ها، امروزه در فرانسه هیچ شاعری به سبک بوآلو و یا راسین، شعر نمی‌گوید. اصولاً خواندن متون کهن مثل متن آثار شکسپیر، بوآلو، راسین یا «رابله»، برای بسیاری از هم‌زبانان آن‌ها کاری آکادمیک به حساب می‌آمده و از عهده همگان برنمی‌آید.

اما افسانه‌های «لافونتین» در هر سال و در همه کشورها و به صورت‌های مختلف در حال چاپ است و این کار از دوره لافونتین تا کنون ادامه داشته و دارد، آنچنان که «پنجه تترای هندی» و ترجمه آن کلیله و دمنه که با برگردادن به زبان‌های سریانی، پهلوی و نهایتاً عربی و فارسی، لاتین، انگلیسی، فرانسوی، در جهان پخش شده و نیز افسانه‌های هزار و یکشب، همچنان هزاران سال است که ادامه دارند.

می‌نویسند که «آراسموس Erasmus» (۱۵۳۶-۱۶۰۹)، هلندی یونان‌شناس و حکیم و فیلسوف بزرگ کلیسا، نزدیک به صد کتاب و رساله نوشت که تقریباً همگی آن‌ها را کمتر کسی به خاطر می‌آورد، ولسی او علاوه بر همه نوشته‌ها و آثار بزرگش، کتابی کوچک را به نام «در ستایش حماقت» نوشته که تا کنون صدها بار در جهان به چاپ‌های متعدد رسیده. این کتاب در اصل قصه حماقت بشر است، چه وقتی که خود را به حماقت می‌زند و چه وقتی که می‌خواهد دیگران خود را به حماقت بزنند و او بهره‌بردار. این است که می‌توانیم این رأی را صادر کنیم که بشر امروزی با همه پیشرفتی که داشته همچنان نیازمند قصه است.

به این جهت از آنچه در جریان تاریخی تجربه

بشری را بازسازی کرده‌اند.

بی‌شک افسانه‌های هزار و یکشب رابطه‌ای با فرهنگ خاص مردم آمریکا ندارد، گرچه این افسانه‌ها هم اکنون به صورت فرهنگی بین‌المللی درآمدند. اما لاقلاً قدمت آن‌ها برابر با زمان گردآوری «هزارافسون» یا هزار افسانه دوره ساسانیان است. طبعاً در این افسانه‌ها کثشی نهفته است که می‌تواند با گذشت زمانی چنین طولانی بعد از هزاران سال مجدداً مورد استفاده قرار گیرد. استفاده جدید نیز گرچه با هر تکنیکی که می‌خواهد صورت گیرد از روال کلی شیوه «نقل» این افسانه‌ها پیروی می‌کند که ابتدا به صورت شفاهی نقل می‌شد، در دنیای جدیدتر این وظیفه به عهده مادر بزرگ‌های قصه‌گو بود. بعد قصه‌ها و روایت‌ها نوشته شد. امروزه همان قصه‌ها به شیوه‌های کاملاً جدید در مقیاسی گسترده‌تر مخاطبانی را به خود مشغول می‌کند که انگار قصه‌ای را گوش می‌کنند که درست در زمان خود آن‌ها پرداخته شده است. به صورت سر بسته اشاره کنیم که انیمیشن‌ها راویان مدرن افسانه‌ها و روایت‌ها هستند.

اگر سیر تکوینی یک اثر در قالب یک انیمیشن را مجموعه‌ای از اشتراک چند هنر بدانیم، خصلت هنرهای دیگر به این صورت نیست. مثلاً نقاشان نه می‌خواهند و نه می‌توانند همچون نقاشان دوره «باروک» Baroque کار کنند.

«لوئیس راسین» Louis Racine (۱۶۹۲-۱۷۳۳) شاعر و نویسنده فرانسوی و یا «نیکلاس بوآلو» Nicolas Boileau (۱۶۳۶-۱۷۱۱) شاعر و منتقد مشهور فرانسوی هر دو متعلق به دوره هنر باروک فرانسه هستند و معاصر با

عمده‌ای در آن حاصل نشد. این موضوع نیز مهم است که قالب افسانه‌ها و نوع کاراکترهایی که به افسانه شکل می‌دهند می‌تواند بدون تغییر بماند. اما در اهداف آن‌ها نوعی مطابقت با دریافت‌های زمان راوی صورت بگیرد. مثلاً کاراکتر روباه در افسانه‌ها می‌تواند به فراخور زمان و پیام خاص راوی عملکردی حيله گرانه، حقه باز، مکار و ... به خود بگیرد.

بسیاری از افسانه‌هایی که بشر آن‌ها را به صورت قصه پذیرفته و هنوز هم معتقد است به آن‌ها نیاز دارد، در گونه (ژانر)هایی است که به صورت خلاصه آن‌ها را دسته‌بندی خواهیم کرد. این گونه‌ها ممکن است گونه‌های عام باشد، مثلاً افسانه‌های حیوانات و یا گونه‌های خاص مثلاً گونه یا ژانر - روباه‌ها.

به طور کلی در جهان امروز کاراکترهای حیوانی رایج‌تر باید در افسانه‌ها جست‌وجو کرد. ضمن این که آن‌ها می‌توانند نماد و سمبلی از تیپ‌ها و کاراکترهای انسانی در جوامع بشری باشند. امروزه شاید هر انسانی برای خود یک دون کیشوت باشد. دارای مجموعه آن صفاتی که سروانتس به قهرمان داستان‌ش نسبت می‌دهد. اما کمتر کودک یا نوجوانی است که در شهرهای صنعتی یک روباه زنده و یا حتی یک خرگوش زنده را دیده باشد، اما هنوز حکایت‌های آن‌ها را می‌خواند.

باید توجه کرد که زمینه بسیاری از افسانه‌های حیوانات مربوط به دورانی است که بشر در کنار این حیوانات و با آن‌ها زندگی می‌کرده. مثلاً شیوه شکار سنتی روباه در انگلستان از قرون وسطی به جامانده، در حالی که امروزه ده‌ها و صدها نهاد

کرده همه چیز را اگر فراموش کند افسانه‌ها را فراموش نکرده است. گرچه راویان مدرن شده باشند. هنرمندان کشورهای دیگر به این بخش از خواست مردمشان اهمیت زیادی دادند و به جرأت می‌توان گفت که آنچه را برای قوم زنده نگه داشتنی بود زنده نگه داشتند.

تمام قصه‌های «کانتربوری» در انگلستان به صورت مجموعه‌های کامل و توسط ورزیده‌ترین افراد و ناشران و یا تهیه‌کنندگان با تکنیک رسانه‌های مختلف در اختیار مردمشان قرار گرفته است.

بسیاری از مردم آمریکای جنوبی و مرکزی به علت تأثیرپذیری از فرهنگ اسپانیولی «دون کیشوت» را از آن خود می‌دانند. اخیراً به دستور «هوگو چاوز»، رییس جمهور ونزوئلا به مناسبت چهارصدمین سال نوشتن دون کیشوت و سروانتس، یک میلیون جلد از این کتاب به چاپ رسید و به صورت رایگان در اختیار مردم قرار گرفت.

«افریم لیسینگ» Ephraim Lessing (۱۷۲۹-۱۷۸۱)، تحلیل‌گر مشهور ادبیات می‌نویسد که قرن هیجدهم دوره طلایی افسانه‌ها بود. محققان بسیاری از کشورها کوشش کردند همه آنچه را در باور راویان بود بازنویسی و نقل کنند. این کار از نقل و ضبط این آثار هم گذشت و به تأثیرپذیری بر ادبیات انقلابی آن دوره یعنی جنبش رمانتیک‌ها ختم شد. به این جهت بسیاری از قصه‌ها در جریان جنبش رمانتیک‌ها بازسازی شد. افسانه‌ها در دوره هنر مدرن گرچه ممکن بود که نوعی نگرش اخلاقی منطبق بر زمان را هم در خود داشته باشد، اما در کل تغییر

مجموعه افسانه‌هایی مطرح می‌کنند که نقش عمده به عهده آن کاراکتر است. این روش تجربه شده و بسیار مؤثر بوده و هست.

«افسانه‌های روباه» و یا گونه (ژانری) که در آن‌ها روباه محور اصلی است، در زبان‌های اروپایی به نام‌های *Reinard Renard Fox*، *Reynardt*، *Reinhardus*، *Reineke* و بسیاری از واژه‌های نزدیک به این نام‌گذاری آمده است.

در تمامی فرهنگ‌های جهان روباه را کاراکتری مکار، حيله‌گر، کلک‌باز، حقه‌باز و یا شیطان، می‌دانند و واژه *Trickster* به معنی مکار یکی از صفات عمده این کاراکتر است. واژه *Trick* به معنی شیرین کاری در مقولات شوخ طبعی جای خاصی دارد. به این جهت می‌گویند هر لطیفه باید دارای یک *Trick* (شیرین کاری) باشد. معانی دیگر این واژه مکر و حيله و ترفند و از این قبیل واژگان است که با کاربرد صفات روباه سنخیت دارد. اما روباه مکار می‌تواند کاراکتر مکار مثبت و یا منفی باشد. رابین هود کاراکتری است دارای مکر خاص روستاییان به طرفداری از تهی‌دستان روستایی، در مقابل اشرافیت و اریستوکراسی طبقات بالا. دو روباه در کلیله و دمنه نمونه کسانی هستند که به قدرت حاکمان نزدیک شده و می‌خواهند با سیاست از خطر هم‌نشینی با آن‌ها جان سالم به در برند. روباه می‌تواند کاراکتری شبیه به عیاران افسانه‌ها و داستان‌ها و یا روایت‌های ما پیدا کند. اروپاییان منشاء اصلی افسانه‌های روباه را به ادبیات عامیانه مردم فرانسه و مخصوصاً به مجموعه جمع‌آوری شده تحت عنوان «رومان

و سازمان محافظت و حمایت از حیوانات وجود دارد که این شیوه شکار را غیرانسانی می‌دانند. در حالی که آن‌ها هنوز افسانه‌های «کانترپوری» را با آخرین دستاورد علمی چاپ می‌کنند و یا به صورت انیمیشن در می‌آورند.

بخشی از افسانه‌های هزار و یکشب، افسانه‌های حیوانات است. این افسانه‌ها از شب یکصد و چهل و ششم تا شب یکصد و پنجاه و سوم ادامه دارد. طی این مدت شهرزاد مجموعاً بیش از ۱۵ حکایت با عنوان کلی حیوانات نقل می‌کند که عبارتند از: حکایت مرغابی و طاووس، مرغابی و سنگ پشت، روباه و گرگ، موش و سمور، کلاغ و گریه، روباه و کلاغ، خارپشت و قمری، بوزینه و دزد، گنجشک و طاووس. علاوه بر این‌ها بنا به شیوه روایت این افسانه‌ها ممکن است در درون یک افسانه چند افسانه دیگر نیز نقل شود.

بر اساس نوعی تقسیم‌بندی افسانه‌ها، هر کاراکتر حیوانی می‌تواند در گونه (ژانری) خاص تقسیم‌بندی شود. مثلاً «افسانه‌های روباه»، «داستان‌های کلاغ»، «گرگ» و یا ... به این جهت سازندگان انیمیشن نیز می‌توانند به منبع کار شده و آماده‌ای از یک ژانر خاص دست یابند. مثلاً «افسانه‌های روباه» یا نمونه‌های سفر نامه‌ها.

در زبان معیار ما (فارسی) و نیز در زبان‌های هر قوم ایرانی، نمونه این افسانه‌ها بسیار گسترده و زیاد است. گرچه آن‌ها به صورت یک مجموعه جمع‌آوری نشده‌اند. این گونه جمع‌آوری‌ها که در برگیرنده یک گونه و ژانر خاص است، می‌تواند کمک مؤثری باشد برای سازندگان انیمیشن که یک کاراکتر را در

می‌کند. آن شبکور برای پادشاه چندین افسانه را نقل می‌کند تا پادشاه پند بگیرد..

در مواردی روباه اشاره‌ای است به کاراکتری نمادین از انسان. «میشل رودانگ» Michel Rodang نویسنده لوکزامبورگی در سال ۱۸۷۲ میلادی کتابی نوشت به نام «روباه Renert» که شخصیت اصلی آن کاراکتری بود انسانی از جامعه خود نویسنده.

«الکساندر آفانیسیف» Alexander Afanasyev بسیاری از افسانه‌های مردم روس را جمع‌آوری کرد که گونه (ژانر) خاص روباه، در این افسانه‌ها جای خاصی را داشت. «ایگور استراوینسکی» Igor Stravinsky موسیقیدان مشهور شوروی سابق، بر اساس افسانه‌های آفانیسیف، اپرایی را ساخت با عنوان روباه که به شیوه «بورلسک» Burlesque، تقلید طنزآمیز، پرداخته شده بود. از ۱۹۰۰ به بعد تعداد قابل توجهی از افسانه‌های روباه، توسط انیمیشن‌سازان به تصویر کشیده شده که از جمله آخرین‌های این گونه انیمیشن به نام «من روباه Moi Reymard» است که در سال ۱۹۸۵ و ژمان روباه که بر اساس کتاب رودانگ در سال ۲۰۰۵ میلادی به صورت انیمیشن درآمد.

افسانه‌های پریان گونه بسیار گسترده دیگری است که همیشه مورد توجه انیمیشن‌سازان بوده است. این گونه نیز توسط اروپاییان از سال‌ها پیش به صورت مجموعه‌های مستقل درآمد. یکی از مجموعه‌های قدیمی این گونه، «مادر غازه» Mother Goose است که مجموعه‌ای است از افسانه‌های پریان Fairy Tales و نیز اشعار کودکان Nursery Rhymes. عده‌ای از

روباہ Le Roman de Renart نوشته «پروت Perrout» که در سال ۱۱۷۵ میلادی به چاپ رسیده، نسبت می‌دهند. علت این گونه منشا یابی به این دلیل است که آن‌ها به صورت برنامه‌ریزی و سیستماتیک همچون رده‌بندی گیاهان و یا حیوانات، افسانه‌ها را هم گونه‌بندی می‌کردند. وجود یک مجموعه تحت عنوان «ژمان روباه» می‌تواند منبعی کارشده و بی‌دردسر باشد که به راحتی بتواند در اختیار دیگران قرار گیرد، از جمله انیمیشن‌سازان. امروزه بسیاری از محققان پنجه تئرای هندی و کلیله و دمنه را از جمله قدیمی‌ترین منابع افسانه‌های حیوانات می‌دانند. در بازسازی افسانه‌ها در هر دوره‌ای کاراکترهای اصلی می‌توانند بنا به خواست و نیاز زمانه تغییر رفتاری و اخلاقی داشته باشند. آن چنان که گفتیم روباه مکار می‌تواند دارای مکاری مثبت و یا منفی باشد. ابتکار عمل روباه، ظاهر ساده و باطنی تودار، ابله‌نمایی و یا خود را به حماقت زدن نظیر روشی با عنوان «تجاهل العارف» را در بسیاری از داستان‌های پنجه تئرای هندی و کلیله و دمنه و مرزبان نامه و .. می‌توان یافت.

روباہ در افسانه‌ها تقریباً نقشی اسطوره‌ای و پایدار دارد. در پلاکی که به نقش ازوپ Aesop مزین است و یکی از قدیمی‌ترین نقش‌هایی است که از این روای کهن افسانه‌ها به جا مانده، او را در حالی نشان داده که در جلوی یک روباه نشسته و به قصه‌های او گوش می‌کند. در افسانه‌های هندی آمده که پادشاهی برای این که سیری را دریابد به گفته حکیمی به قبری کهنه فرو می‌رود و در آنجا شبکوری را ملاقات

بخشی از موضوع روبنسون کروزوئه به سفر، سرگذشت و یا روایت‌هایی که تحت عنوان «ماجراهای یک کاراکتر خاص است» برمی‌گردد. این ژانر عام بنا به موقعیت زمانی می‌تواند شکل خاصی از تفکر را هم در خود داشته باشد. مثلاً در «روبنسون کروزوئه» خصلت استعماری و سیاست کلنی داری دولت انگلستان، در اوتوپیا «توماس مور» Thomas more. تشکیل نوعی جامعه جدید و تفکر اوتوپیا زندگی جمعی، در ناکجا آبادی آرمانی و یا در کتاب سفر به ایکاری، اثر «اتین کابه»، ایکاری نام شهری است خیالی که قهرمان داستان به آنجا سفر می‌کند. این شهر الگوی جامعه‌ای سوسیالیستی است. سفر به ایکاری وقتی نوشته شد که تفکر اندیشمندان سوسیالیست در اروپا، بسیار مورد توجه بود.

تفاوتی عمده بین بیان ماجراها و سفرنامه‌های ایرانی و اروپایی وجود دارد. در اغلب این گونه آثار در ایران سفر برای به دست آوردن نیست، بلکه سفری است برای از خود گذشتن. چون هفت سفر سندباد، که سفرهایی است برای رسیدن به قناعت. سندباد هفت سفر را برای به دست آوردن ثروت به خود هموار می‌کند تا نهایتاً در پایان سفر هفتم، این حرص پایان‌ناپذیر اندوختن ثروت را فرونشاند و تصمیم می‌گیرد دیگر به این گونه سفرها نرود و نیز سفرهایی برای رسیدن به معشوق که سفر عشق است نظیر منطق الطیر عطار و هیچ شباهتی به سفر روبنسون کروزوئه‌های اروپایی ندارد. متأسفانه در بازپرداخت سفرهای گونه شرقی نیز وقتی توسط اروپاییان و یا آمریکایی‌ها پرداخته

محققان واژه Goose را به افراد خاصی نسبت می‌دهند در حالی که معادل آن با عنوان مادر غازه می‌تواند معقول‌تر باشد. مادر غازه اشاره‌ای است به مجموعه‌ای برای کودکان نظیر قصه‌های مادر بزرگ. این ترکیبات در فرانسه با جمله «Conte de la mere... قصه‌های مادر...» آمده، جای قسمت نقطه چین را می‌شود هر واژه‌ای گذاشت.

نویسنده فرانسوی «شارل پورو» Charlesperrolt (۱۷۰۳-۱۶۲۸)، در سال ۱۶۹۷ میلادی مجموعه‌ای از افسانه‌ها را منتشر کرد به نام افسانه‌های مادر لونه Contes de ma Mere Loye. در این مجموعه ۸ قصه نقل شده که سیندرلا و زیبای خفته، از آن جمله است. سیندرلا در هر کشوری روایتی ویژه آن فرهنگ را دارد و تا کنون انواع مختلفی از این داستان را جمع‌آوری کرده‌اند.

«روبنسون کروزوئه» شناسی در ادبیات جهان یعنی پیگیری روبنسون کروزوئه نویسی، نیز یکی از فعالیت‌های محققان است. در سال ۱۷۱۹ میلادی «دانیل دفوئه» Daniel defoe کتابی نوشت به نام روبنسون کروزوئه. این سال برابر است با سال‌های پایانی دوره شاه سلطان حسین صفوی در ایران. از آن سال به بعد ده‌ها روبنسون کروزوئه به تقلید از وی توسط نویسندگان دیگر جهان نوشته شد و از طرف دیگر در این اثر تیپ خاص روبنسون کروزوئه به عنوان یک نمونه بارز روحیات کلنی‌گری و استعماری انگلستان، ظهور می‌کند. «جیمز جویس» James Joyce (۱۹۴۱-۱۸۸۲)، نویسنده مشهور ایرلندی می‌نویسد: «روبنسون کروزوئه یک تیپ واقعی و نمونه وار از سیاست کلنی داری انگلستان است.»

که فرهنگ آلمان به محتوای فکاهی و طنز آمیز سفرهای سیمپلی سی موس داشت. در فرانسه اثر مشهور نویسنده‌ای به نام «لوساژ» Le Sage، تحت عنوان «ژیل بلاس» Gil Blas که در سال ۱۷۱۵ نوشته شده، رمانی است به شیوه پیکارسک، کلمه ژیل بلاس در آینده به صورت نام یک نشریه در آمد که نشریه‌ای بسیار مشهور بود و بسیاری از طنزپردازان و تصویرگران مدرن فرانسه با این نشریه کار می‌کردند.

اثر «ولتر» به نام کاندیدا **Candide** نیز نوعی سفرنامه است. بعضی از عناصر پیکارسک کهن در رمان‌های جدید نیز وجود دارد. «گوگول» Gogol کتابی دارد به نام **Dead Soul** که در ایران به نام «زندگی مرده» ترجمه شده، این کتاب نیز دارای عناصری از ویژگی رمان‌های پیکارسک است. بسیاری از رمان‌های پیکارسک به علت داشتن ماجراها شیرین به صورت انیمیشن درآمده است.

افسانه‌های اژوپ **Aesop** بین سال‌های ۵۲۰ تا ۵۶۰ قبل از میلاد جمع آوری شده است. بسیاری از محققان عقیده دارند که این افسانه‌ها هنوز از جمله بهترین و مؤثرترین وسیله برای آموزش کودکان هستند و یکی از علل دیر پایی آن‌ها هم همین است. به سخن دیگر این افسانه‌ها هنوز کار برد خود را از دست نداده‌اند. از سال‌های ۱۹۲۰ که این افسانه‌ها به صورت انیمیشن درآمد تا کنون بارها به روش‌های گوناگون آن را بازسازی کرده‌اند.

مجموعه اژوپ نیز یکی از منابع گسترش بعدی افسانه در جهان بوده و بخشی از آن

می‌شود، خصلت تفکر آن‌ها را پیدا می‌کند. همچون سفرهای سندباد که توسط والت دیزنی ساخته شد. به هر ترتیب بسیاری از سفرنامه‌ها و تیپ ماجراها، به صورت انیمیشن در آمده، از ماجراهای روبنسون کروزوئه گرفته تا سفرهای مختلف در حکایت‌های علمی تخیلی «ژول ورن»، سفر به زیر زمین، به زیر دریا، سفر به کره ماه، سفر به دور کره زمین و ... و ده‌ها سفرنامه دیگر از جمله سفرهای سند باد بحری. بخشی از این نمونه سفرها در رمان‌های پیکارسک نویسان آمده است.

پیکارسک شیوه‌ای از پرداخت ادبی است که در آن با برقراری فضایی تخیلی و پندارگونه، حوادثی طنزآمیز و یا فکاهی بر قهرمان داستان می‌گذرد. در دسته بندی قصه‌ها، پیکارسک را در قسمت افسانه‌های تخیلی **Fiction** دسته‌بندی می‌کنند. قهرمان افسانه‌های پیکارسک، از بین توده مردم و طبقات پایین جامعه انتخاب شده و برای او در مواجهه با طبقات بالا حوادثی رخ می‌دهد که می‌تواند به طنزی سبک و یا فکاهی ختم شود. منشاء این گونه افسانه‌ها کشور اسپانیاست که از آنجا به اروپا رفته است.

«گریمل شوسن» **GrimmelShausem** آلمانی (۱۶۷۶ - ۱۶۲۵)، نویسنده‌ای است که سفرهای «سیمپلی سی سی موس» را نوشت. این سفرنامه که در سال ۱۶۶۹ میلادی نوشته شده، انتقادی است بر جنگ سی ساله در اروپا. واژه سیمپلی سی سی موس در سال‌های پایانی قرن ۱۹ بر روی نشریه‌ای طنز در آلمان گذاشته شد که به نام سیمپلی سی سی موس منتشر گردید. انتخاب این نام نشانه شهرت و شناختی است

بلکه از جمله صفاتی است که بین جوامع انسانی به صورت نمادین متداول است. مثل گرگ بدجنس، روباه بیچاره، روباه عاقل، آقا روباه، خانم کلاغه، آقا خرسه و یا نظیر کتاب فانتزی «آقای روباه» که این کتاب در سال ۱۹۷۰ میلادی توسط «روالد دال» Roald dahl نوشته و توسط «تونی رُز» Tony ross طراحی شد. کتاب آقای روباه تا سال ۲۰۰۲ میلادی هشت بار به چاپ رسید و نهایتاً در ۲۰۰۶ میلادی به صورت انیمیشن درآمد. انگار زمان برای نقل افسانه‌ها از دوره اژوپ و هزار افسانه، همچنان جریان یکسانی دارد.

غیر از افسانه‌هایی که نوشته شده و به آن‌ها اشاراتی داشتیم، در ادامه از چند گونه دیگر هم نام می‌بریم.

بخشی از افسانه‌ها که با فرهنگ عامیانه سر و کار دارد، آمیخته به باورها و سنت‌های مردم است. فرهنگ مردم Folklor رابطه نزدیکی با افسانه‌ها دارند و در اصل مجموعه‌هایی که گردآوری شده همیشه متکی به فرهنگ مردم بوده و خود افسانه‌های هر قوم بخشی از فرهنگ آن قوم هستند.

امروزه قریب به اتفاق افسانه‌ها در بعضی از نقاط دنیا جمع آوری، کدبندی و شماره‌گذاری شده و در بسیاری از کشورها نیز کار عمده‌ای روی آن‌ها صورت نگرفته است. مثلاً در ایران ضمن انجام چند کوشش قابل توجه هنوز اطلاع کاملی از افسانه‌های تمام مردم ایران در دست نیست. این افسانه‌ها از همه قوم‌ها و ملت‌های ایرانی که دارای هر گونه گویشی هستند به دو شیوه نوشتاری، هم ترجمه آن به زبان اصلی و

توسط دیگران به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. افسانه پردازان و گردآوردندگان افسانه‌ها از همدیگر تأثیر پذیرفته‌اند. آنچنان که همگی آن‌ها از افسانه‌های اژوپ، افسانه‌های شرقی از جمله ایران و هند و فرهنگ مصر متأثرند.

«افسانه‌های کانتربری» The Canterbury tales توسط «جیوفرای چاوسر» Geoffrey chaucer شاعر انگلیسی (۱۴۰۰ - ۱۳۴۰) نوشته شده است. چاوسر از نویسنده نامدار کتاب دکامرون DEcameron اثر «جیووانی بوکاچیو» Giovanni Boccaccio (۱۳۷۵ - ۱۳۱۳) تأثیر پذیرفته است. مجموعه‌ای از آثار اژوپ از سال ۱۹۲۱ میلادی در امریکا توسط «پاوتل تری» Paul terry به صورت انیمیشن در آمد که این کار تا سال ۱۹۳۳ ادامه یافت. در سال ۱۶۲۵ میلادی اولین ترجمه چینی از مجموعه اژوپ در قالب ۳۱ افسانه توسط یک میسیونر مذهبی بلژیکی به نام «نیکلاس تریگالت» Nicolas trigault انجام گرفت. افسانه‌های: مورچه و ملخ، روباه و انگور (در ایران معمولاً شغال و انگور معروف‌تر است)، شیر و موش، لاک پشت و خرگوش، موش شهری و موش روستایی، گرگ در لباس گوسفند، سگ و استخوان، لک لک و روباه و ... بسیاری از این افسانه‌ها که دانش آموزان کشورهای مختلف در کتاب‌های درسی خود نیز خوانده‌اند و می‌خوانند، از جمله افسانه‌های اژوپ است.

در بازسازی افسانه‌ها معمولاً بنا به فرهنگ هر کشور نوعی صفت و یا اسامی متداول در بین مردم به کاراکترهای حیوانی افزوده می‌شود. توصیفاتی که در اصل ربطی به حیوان ندارد

ممکن است جز افسانه‌های عامیانه هم باشد و ممکن است داستانی باشد که نویسنده‌ای آن را نوشته باشد، مثلاً نوول مزرعه حیوانات *Animal farm* از «جورج اورول» *George Orwell* (۱۹۵۰ - ۱۹۰۳) که می‌توان در دو گونه (ژانر) خاص دسته‌بندی کرد. این نوول هم داستان حیوانات است و هم یک قصه رمزی و تمثیلی با عنوان *Allegory*. مزرعه حیوانات هم توسط تیمی برجسته به صورت انیمیشن در آمده. این کتاب یکی از مشهورترین و زیباترین نمونه قصه‌های تمثیلی است و در جهان از شهرت کافی برخوردار است. مزرعه حیوانات پر قدرت‌ترین نوشته است که به صورت رمزی بر علیه جریان‌ات دیکتاتوری و به خصوص دیکتاتوری دوره استالین در شوروی سابق، نوشته شده و در سال ۱۹۴۴ در اروپا به چاپ رسیده است. آنچنان که در گونه (ژانر) سفرنامه‌ها و ماجراها، سفرهای گالیور اثر «جانانان سویفت» *Janathan Swift* از جمله معروف‌ترین و برجسته‌ترین آن‌هاست. این سفرنامه به شیوه پارودی *parody* نوشته شده که تقلیدی است از سفرنامه‌های جدی.

الکساندر پوپ، محقق و نویسنده مشهور انگلیسی عقیده داشت که کتاب گالیور را هم باید در پرورشگاه‌ها بخوانند و هم در کابینه و نمایندگان در مجلس. جورج اورول آن را ششمین کتاب مشهور جهان می‌داند. سفرهای گالیور بارها و بارها به صورت کتاب، فیلم و انیمیشن منتشر شده و می‌شود.

آنچه عمومیت دارد این است که در بسیاری از کشورهای جهان به طور کامل و یا ناقص

معیار، یعنی فارسی و هم تلفظ آوایی آن‌ها مطابق هر خرده زبان زیرمجموعه زبان معیار، باید جمع آوری شده در بانک‌های اطلاعات، روایت‌های مختلف یک افسانه در کنار هم قرار گرفته و کدبندی شود. طبعاً دست یافتن به این کار راهی طولانی است.

فرهنگ عامیانه در تطور تاریخی خود راهی طولانی را پیموده است. ناسیونالیست‌های رمانتیک در دوره‌ای کوشش کردند که فرهنگ عامیانه را به خدمت سیاست درآورند. در قرن ۱۹ میلادی فرهنگ عامیانه در اروپا از سیاست جدا شد و به عنوان یک مقوله فرهنگی مورد توجه قرار گرفت.

جمع آوری کنندگان افسانه‌ها در وهله اول آنچه در فرهنگ خودشان وجود داشته را جمع کرده‌اند. برای مثال «برادران گریم» در سال ۱۸۱۲ میلادی اولین مجموعه از آثار جمع آوری خود را در آلمان منتشر کردند. چندین دهه بعد از ۱۸۴۶ میلادی، «ویلیام توماس» *William Thomas* این مجموعه را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. این مجموعه به نام افسانه‌های عامیانه *Folk tale* جمع‌آوری شد که شامل افسانه‌های حیوانات *Animal tale*، افسانه‌های پریان *Fairy tale* و نیز افسانه‌های شوخ طبعانه و خنده دار *Jocular* و نیز گونه (ژانری) به عنوان عامیانه‌های عاشقانه *Ballad*، شامل آوازاها و تصنیف‌های روستایی و عاشقانه که در آن روایتی از قصه هم دنبال می‌شود و نیز گونه‌ای از افسانه‌ها با ماهیت ملی و رزمی و تاریخی با عنوان *Legend* بوده است.

هر کدام از گونه‌ها (ژانرهای) که برشمرديم

جاکوب با بیش از ۶۰۰ افسانه به صورت منبعی ارزشمند برای آفرینندگان داستان‌های کودکان و نیز تولید کنندگان انیمیشن درآمد.

مجموعه کلیله و دمنه منشا هندی دارد. این مجموعه افسانه از پنجه تترای هندی گرفته شده و در ابتدا به زبان سریانی Syriac و پهلوی که زبان کتابت کهن بوده ترجمه شده و کلیله و دمنک Kalilag and Damnag نام داشته. کلیله و دمنه از جمله قدرتمندترین افسانه‌های تمثیلی و رمزی کهن فرهنگ بشر و اثری است کاملاً سیاسی که به زبان حیوانات و در قالبی همراه با استعاره و تمثیل دارای جهان بینی ژرف سیاسی است. شخصیت اصلی این افسانه‌ها دو شغال و یا دو روباه هستند که در متن سانسکریت به دو نام «کاراتاکا» Karataka و «داماناکا» Damanaka خوانده شده‌اند. در بسیاری از متون غربی این افسانه از قول حکیمی با عنوان بیدپای نقل می‌شود.

فرانسویان این حکیم یعنی راوی افسانه‌های کلیله و دمنه را «پیل پای Pilpay» می‌دانند. کلیله و دمنه در حدود سال‌های ۱۰۸۰ میلادی به یونانی ترجمه شد و در سال ۱۲۴۰ میلادی به زبان عبری برگردانده و توسط «جان کاپوآ» John of Capua در سال ۱۲۷۰ میلادی، از عبری به لاتین ترجمه شد. کلیله و دمنه در سال ۱۸۴۰ میلادی از لاتین به آلمانی ترجمه و در ۱۵۷۰ میلادی توسط «سرتوماس نورت» از لاتین به زبان انگلیسی برگردانند.

لافوتتن در دومین چاپ از افسانه‌هایش در سال ۱۶۷۸ میلادی به منشا گردآوری افسانه‌ها اشاره می‌کند. وی می‌نویسد: «این دومین

عده‌ای دست به جمع‌آوری افسانه‌ها زده‌اند و افسانه‌های جمع‌آوری شده به نام‌های خود آن‌ها به چاپ رسیده مثلاً افسانه‌های عامیانه مردم ایتالیا از افسانه پرداز (فابلیست) مشهور ایتالیایی به نام «ایتالو کالوینو» Itala calvino. وی در سال ۱۹۵۶ مجموعه‌ای از ۲۰۰ افسانه عامیانه را جمع‌آوری و به چاپ رساند. بسیاری از افسانه‌های این مجموعه به صورت انیمیشن درآمد است.

داستان هایدی Heidi. دختری روستایی در دهکده‌ای در سوئیس، کاراکتر اصلی داستان است با همین عنوان که در سال ۱۸۸۰ میلادی توسط نویسنده سوئسی به نام «یوهان اسپری» Johanna Spiry نوشته شد. این داستان تا کنون بیش از ۲۰ بار به فیلم تبدیل شده و نیز در سال ۱۹۷۴ میلادی «ایسائوتا کاهاتا» Isao takahata در ژاپن آن را به صورت انیمیشن در آورده است.

«ایوان کریلوف» Ivan krylov. در فوریه سال ۱۷۶۹ میلادی در روسیه به دنیا آمد. وی افسانه‌های روسیه را جمع‌آوری کرد. بخشی از انیمیشن‌های شوروی سابق براساس مجموعه کریلوف ساخته شده است.

«جوزف جاکوب» Joseph Jacobs در سال ۱۸۸۸ مجموعه‌ای از افسانه‌های کلیله و دمنه را تحت عنوان افسانه‌های بیدپای در انگلستان منتشر کرد. وی یک سال بعد مجموعه‌ای از افسانه‌های اروپا را منتشر کرد و در سال ۱۸۹۰ به چاپ مجموعه افسانه پریان دست زد و بین سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۶ دو مجموعه افسانه با عنوان افسانه‌های پریان هندی و افسانه‌های پریان اروپایی را منتشر کرد. مجموعه جوزف

مجموعه از افسانه‌هاست که تقدیم عموم می‌کنم. من اطلاع دارم که بخش عظیمی از افسانه‌ها مربوط به روایت حکیمی به نام بیدپای هندی است.»

در بررسی آثاری که سال‌ها بعد از افسانه‌های کهن نوشته شده می‌توان از «تلماک» Telemach که توسط «فرانسوا فنلون» Francois Fenelon (۱۷۱۵-۱۶۵۱)، در سال ۱۶۹۹ نوشته شده و یا روبنسون کروزوئه که در سال ۱۷۱۷ توسط دانیل دفوئه به رشته تحریر در آمده نام برد. باید ذکر کنیم که ترجمه هزار و یکشب توسط «آنتوان گالان» در سال ۱۷۱۵ در ۱۲ جلد به پایان رسید و نیز اثر برجسته سروانتس دون کیشوت که اولین چاپ آن در سال ۱۶۰۵ میلادی است و چاپ دوم آن به سال ۱۶۱۵ میلادی صورت گرفته است. این نوول به اندازه کافی از شهرت برخوردار است. نوولی است اسپانیایی که توسط میگوئل دوسروانتس نوشته شده و در نوع خود اولین رمان مدرن جهان است.

این اثر خط ارتباط بین رمان‌های دوره فئودالی و افسانه‌های گونه (ژانر) سلحشوری و مدرنیسم در ادبیات اروپاست. دون کیشوت یکی از ۶ کتاب مشهور جهان است که به همه زبان‌های زنده و فعال جهان ترجمه شده است. واژه نوول را باید با وسواس در مورد دن کیشوت به کار برد. این واژه در اغلب فرهنگ‌های اروپایی تقریباً با همین تلفظ آمده، در انگلیسی Novel، در فرانسه Nouvela و نیز در ایتالیا Novella آمده و در توضیح ذکر شده که روایتی بلند از حکایتی است که به نثر نوشته شده باشد. اما این نام تا قبل از قرن

۱۸ میلادی به نوشته‌ها و داستان‌های کوتاهی گفته می‌شد که در آن‌ها وقایعی عاشقانه همراه با دسیسه‌های عشقی رخ می‌داد و تفاوت آن با «رمانس» در این بود که رمانس حکایتی رزمی و سلحشورانه بود که ممکن بود در آن‌ها وقایعی از نوع رمان نیز اتفاق بیفتد. اما فضای کلی داستان بر اساس وقایع و حوادث رزمی و سلحشوری قرون وسطی دور می‌زد.

دون کیشوت در اصل کاریکاتوری از زندگی سلحشوران و پایان آن و نیز مرثیه‌ای بر زندگی آن‌هاست و به این جهت آغازی است برای نوول نویسی. از قرن ۱۸ به بعد نوول‌ها جای رمانس‌های سلحشورانه را گرفتند و به صورت یک گونه (ژانر) عمده در ادبیات درآمدند. از این دوره است که رمان نیز به خاص و عام بدل می‌شود. مثلاً رمان‌های خانوادگی در اصل ویژه کودکان و قابل طرح در خانواده بود.

در قرون وسطی روایت و زندگی‌نامه‌ها و اعمال قدیسان در گونه‌ای تحت عنوان Legend نقل می‌شد. این واژه از کلمه Legere و Legenda با منشا لاتین به معنی خواندن گرفته شده، در این گونه روایت اشخاص به عنوان چهره‌های تاریخی و نیز مذهبی وجود دارند.

به این ترتیب واژه‌های سرگذشت History و یا روایت سرگذشت، می‌تواند رابطه بهتری با Legend به عنوان وقایع نویسی، داشته باشد و یا واژه Chornicle به معنی رویداد نویسی و شرح حال نویسی. مثلاً هاملت، رابین هود، رولاند و ویلیام تل، از جمله روایت‌های شرح حال نویسی هستند.

واژه Anecdote به معنی حدیث و قصه و

داستان‌های علمی-تخیلی و نیز داستان‌های وحشتناک و ترسناک که با تخیل‌های غیر واقعی همراه است و یا دلایلی قابل توضیح و علمی ندارد نیز از این دست به حساب می‌آیند. چنین داستان‌هایی می‌تواند به تهیه‌کنندگان انیمیشن امکان دهد که در بازسازی آن‌ها خلاقیت‌های ویژه‌ای را به کار ببرند که با برداشت‌های واقع‌گرایانه کاملاً متفاوت است. آنچنان که در مورد ساخت آلیس در سرزمین عجایب و یا از درون آینه اثر لوئیس کارول تولیدکنندگان چنین فضایی را در اختیار دارند. حال اگر این گونه ادبیات را مثلاً با گونه‌های دیگری برای مثال «کتاب‌های ویژه‌ای به نام داستان‌های زمان خواب»، مقایسه کنیم در خواهیم یافت که این گونه با هدف‌های متفاوتی نوشته شده‌اند. مثلاً نمونه‌هایی که بچه‌ها به هنگام خوابیدن در رختخواب آن را می‌خوانند تا به خواب بروند و معمولاً خواندن آن‌ها پنج دقیقه بیشتر به طول نمی‌انجامد و مهم‌ترین خصیصه آن‌ها این است که همگی دارای پایانی شیرین و خوش هستند و هرگز در آن‌ها اتفاقی ناگوار، بی‌هدف و بی‌پایان و یا با پایانی اندوه‌بار رخ نمی‌دهد. این گونه (ژانر) هم می‌تواند به صورت مجموعه درآید و مورد استفاده تولیدکنندگان قرار گیرد.

امروزه بخش دیگری از تولیدات انیمیشن به ساخت آثار اسطوره‌ای در هر کشوری اختصاص دارد که این بخش نیز به دو زیر مجموعه اسطوره‌های کهن و آثار نیمه تاریخی، نیمه اسطوره‌ای تقسیم می‌شود. طبعاً اسطوره‌های کهن مربوط به کشورها و فرهنگ‌هایی است که دارای تمدن کهن‌تری هستند چون ایران، مصر،

داستان کوتاه و بامزه نیز به گونه‌ای از رویداد و به اصطلاح زندگی‌نامه «بیوگرافی» نویسی گفته می‌شود. با این تفاوت که «انکدوت» برشی از مقطع خاصی از زندگی‌نامه اشخاص است. مثلاً این که در زندگی ناصرالدین شاه قاجار چه وقایع خاص و بامزه اتفاق افتاده با یک زندگی‌نامه تاریخی و اجتماعی درباره وی تفاوت دارد. در نوشتن این گونه، روایت مشخص می‌کند که شما با انکدوت سر و کار دارید. مثلاً اگر کسی به شما بگوید «یک روز مردی از کنار رودخانه‌ای رد می‌شد» پی خواهید برد که با یک لطیفه سر و کار دارید، ولی اگر بگویند که یک روز آقا محمدخان قاجار از کنار رودخانه‌ای رد می‌شد، شما با نقل یک «انکدوت» گوش می‌کنید. که قصه کوتاه و بامزه‌ای از جنس روایتی شوخ طبعانه است. معمولاً در «انکدوت»ها نوعی درس اخلاقی نیز نهفته است تا دیگران با خواندن آن بدانند که بعضی از کارها چه عواقبی دارد.

بخشی از مواد اولیه ساخت انیمیشن‌ها نیز شرح حال نویسی است و نیز بازسازی قصه‌های کوتاه و بامزه از زندگی افراد مشخص.

فانتزی‌ها Fantasy نیز یک گونه (ژانر) عمده در ساخت انیمیشن‌ها هستند و مخصوصاً تولیدکنندگان انیمیشن به این ژانر توجه خاصی دارند. فانتزی به علت داشتن عناصری از جادو Magic به افسانه پریان شبیه هستند و در اصل بسیاری از افسانه‌های پریان نیز نوعی فانتزی به حساب می‌آیند. این خصوصیت با ذکر این که در فانتزی حضور عناصر ماوراء الطبیعه بسیار فعال است باعث می‌شود که دریا بیم چقدر فانتزی‌ها می‌توانند با افسانه پریان نزدیک شوند. امروزه

چین، هند و ...

کتاب هزار و یکشب با گستردگی وسیعی در موضوعات مختلف و از جمله گونه (ژانر)هایی که برشمردیم دارد و سهم قابل توجهی نیز در ساخت انیمیشن به عهده داشته است. علاءالدین و چراغ جادو، علی بابا و چهل دزد، هفت سفر سندباد بحری و نیز پاره‌ای از برداشت‌های جدید مثلاً ملاقات سندباد با ملوان زبل و ... از جمله برداشت‌هایی است که از هزار و یکشب گرفته شده است.

بعضاً این برداشت‌ها نیز منطبق بر اصل نیست مثلاً هفت سفر سندباد بحری مطابق آنچه در کتاب آمده نقل و تصویر نشده و یا اصولاً وقایعی در آن‌ها رخ می‌دهد که مربوط به سفرهای سندباد نیست و از قسمت‌ها و داستان‌های دیگری از هزار و یکشب سرهم شده، ایراد اصلی این گونه تولیدات نیز این است که مفهوم اصلی افسانه درک نشده است. هفت سفر سندباد نوعی سفر فلسفی است مثل سفر مرغان برای دیدن و ملاقات سیمرغ توسط عطار و یا هفت سفر عشق و اصولاً اهمیت گذر از هفت مرحله در سفرهای شرقی، همچون رفتن به هفت خوان توسط رستم و در پایان سفر هفتم کشتن دیو سفید که در اصل کل افسانه را به صورت نمادین در می‌آورد و یا به هفت خوان رفتن اسفندیار و یا هفت سفر خرد بوذرجمهر در شاهنامه که طی هفت شب عده‌ای از برجسته‌ترین فیلسوفان از بوذرجمهر سوال‌هایی را می‌پرسند و او طی هفت مجلس به همه سوال‌ها پاسخ می‌دهد که هفت سفر خرد است.

سندباد به روایت والت دیزنی تنها شرح چند

واقعه ساده است مطابق آنچه در پایان سفر هفتم سندباد آمده: «سفر هفتمین را شمردند بیست و هفت سال بود ... پس من توبه کردم که در بحر و بر سفر نکنم و پس از این سفر هفتمین که آخر سفرهای من بود، دگر بار گرد غربت نگردم. ای سندباد بری تو به کار من نظر کن و آنچه از خطرها و رنج‌ها به من روی داده بین که چه محنت‌ها به من رفته تا این زمان آسوده نشستم».

هفت سفر سندباد از آسودگی به غربت و از غربت به آسودگی است. در آغاز سفر سوم و علت این که چرا باز به سفر می‌رود می‌گوید: «پس از آن سودهای سفر به خاطر آوردم و مشتاق سفر شدم و به تفرج شهرها و دریاها و اندوختن زر و سیم مایل گشتم.» و در پایان سفر هفتم «پس من توبه کردم که در بحر و بر سفر نکنم».

این گونه دریافت کاملاً با فلسفه شرقی قرین است که این خط ظریف تفکر طبعاً در ساخته‌های دیگران که با این فلسفه بیگانه‌اند، کارکردی ندارد. اگر هنرمندان ایران بخواهند مجموعه‌ای با هویت بسازند طبعاً باید رگه‌های حکمت و جهان بینی خالقان اثر را نیز در نظر بگیرند مثلاً سعدی گلستان را به هشت باب تقسیم می‌کند. طبعاً این تقسیم بندی شامل پادشاهان، درویشان، قناعت، خاموشی، جوانی، پیری، تربیت و صحبت، بر اساس یک معیار تعیین شده است. حال اگر تولید کننده‌ای از هر باب یک حکایت را بگیرد و به ترتیب با ذکر مقدمه‌ای به صورت گفتاری از خود سعدی آن را تا باب هشتم ادامه دهد، می‌تواند یک هویت

خود از محققان افسانه‌ها بودند. «آندریولانگ» Andrew lang علاوه بر ترجمه هزار و یکشب در ۱۲ جلد مجموعه افسانه پریان را نیز جمع‌آوری کرد. وی این مجموعه عظیم را هر کدام با یک رنگ مشخص کرد، نظیر کتاب آبی پریان، کتاب سبز، کتاب بنفش و ... به این جهت این محققان مواد اولیه شسته رفته‌ای را برای ساخت انیمیشن در اختیار نسل بعدی قرار دادند. کاری که در ایران به آن توجهی نمی‌شود و یا اصولاً تولید کنندگان انیمیشن چنان اهمیتی برای قسمت نوشتاری قایل نیستند. در نشست عظیمی که به مناسبت هزاره، هزار و یکشب، در چین برگزار شد تنها دو نفر از ایران شرکت داشتند و آن‌ها هیچ کتاب ارزشمندی در این مورد یا بر اساس ویا به محوریت هزار و یکشب در ایران پیدا نکردند تا با خود به چین ببرند. در کشورهای دیگر نمایشگاهی سزاوار تحسین به راه افتاده بود.

پیدا کند و برداشتی از گلستان سعدی باشد. در غیر این صورت کاری است پراکنده و یا در مصیبت نامه شیخ عطار قریب ۲۵۰ حکایت نقل شده که هر کدام از آن‌ها را می‌توان در گونه (ژانری) خاص دسته‌بندی کرد و به صورت مجموعه در آورد. در منطق‌الطیر شرح حال سفر مرغان است و علاوه بر آن در خلال سفر حکایت‌های متعددی نقل می‌شود که خود عطار آن‌ها را تحت عنوان حکایت می‌آورد. اما رشته اصلی داستان سفر مرغان است. طبعاً بازسازی نوشته‌ای عظیمی چون منطق‌الطیر خیلی مشکل است اما هفت سفر سندباد را بسیار ساده‌تر می‌توان ساخت به گونه‌ای که هویت فلسفی و پیام آن هم حفظ شده باشد.

هزار و یکشب از سال ۱۷۰۴ در فرانسه ترجمه شده و نهایتاً تا سال ۱۷۱۷ به طور کامل انتشار یافته است. ترجمه آنتوان گالان Antoine Galland (۱۷۱۷ - ۱۶۴۶)، اولین ترجمه از هزار و یکشب که به صورتی کامل صورت گرفته و قبل از وی بسیاری از این افسانه‌ها توسط ملاحان، جهانگردان و بازرگانانی که به ایران، بین‌النهرین و قسطنطنیه و مصر رفت و آمد داشتند نقل و انتقال می‌یافت. علت این که گالان نیز این مجموعه عظیم افسانه‌ها را برای ترجمه انتخاب می‌کند، شهرت آن بوده است. «ریچارد بورتین» Richard Burton از روی ترجمه گالان در ۱۸۸۵ هزار و یکشب را به انگلیسی ترجمه کرد. بسیاری از افسانه‌های هزار و یکشب که به مراتب پر قدرت‌تر از سفرهای سندباد است هنوز توسط تولیدکنندگان انیمیشن کشف نشده‌اند. مترجمان هزار و یکشب اغلب



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی